

دوری و نزدیکی چین و روسیه از یکدیگر چه منافع و آسیب‌هایی برای رژیم صهیونیستی به همراه دارد؟

چین، روسیه و اسرائیل؛ یک معادله چند مجهولی

دلیل فشارهای غرب، چه به دلیل اختلافات راهبردی - چین تصمیم بگیرد روابط اقتصادی - فناورانه خود با روسیه را کاهش دهد یا رویکرد محتاط‌تری در قبال مسکو اتخاذ کند، روسیه ناچار خواهد شد به سمت کشورهای دیگری برای تأمین نیازهای حیاتی خود حرکت کند. در این میان، رژیم اسرائیل می‌تواند به عنوان یکی از گزینه‌های جایگزین مطرح شود، به ویژه در حوزه‌هایی که در آن تخصص و برتری فناورانه دارد؛ مانند امنیت سایبری، فناوری‌های کشاورزی و آبیاری هوشمند، انرژی‌های تجدیدپذیر، تجهیزات پزشکی پیشرفته، و حتی برخی زیرساخت‌های فناوری اطلاعات.

روسیه در شرایط اضطرار اقتصادی ممکن است در برابر پیشنهاد‌های همکاری رژیم عبری، انعطاف بیشتری نشان دهد. این همکاری‌ها اگر گسترش یابند، نه تنها می‌توانند به ایجاد روابط اقتصادی جدید بین دو طرف منجر شوند، بلکه ممکن است زمینه‌ساز نوعی وابستگی متقابل نیز باشند. به عبارت دیگر، روسیه ممکن است در ازای دریافت فناوری یا سرمایه‌گذاری از سوی رژیم، مواضع سیاسی نرم‌تری نسبت به تل‌آویو اتخاذ کند.

تضعیف حمایت از محور مقاومت

روسیه و چین به طور هم‌زمان روابط استراتژیک و راهبردی مستحکمی با ایران دارند. هر دو کشور به دلیل منافع مشترک در برابر غرب، در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی هم‌راستا عمل کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین ابعاد این روابط، پشتیبانی هر دو کشور از ایران در زمینه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی است. ایران، به عنوان یک قدرت منطقه‌ای با نفوذ گسترده در غرب آسیا، حامی اصلی گروه‌های مقاومتی نظیر حزب الله لبنان، حماس فلسطین و جهاد اسلامی است؛ گروه‌هایی که به طور مستقیم و غیرمستقیم تهدیدی برای رژیم اسرائیل محسوب می‌شوند. این گروه‌ها با کمک‌های مالی، نظامی و آموزشی که از ایران و متحدانش دریافت می‌کنند، به ویژه در برابر اقدامات رژیم و هم‌پیمانان غربی‌اش، در حال تقویت خود هستند. در سال‌های اخیر، روسیه و چین نه تنها در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی، بلکه در حمایت از ایران و محور مقاومت نیز همکاری‌های نزدیکی داشته‌اند. این همکاری‌ها به ویژه در عرصه فروش تسلیحات پیشرفته، حمایت‌های سیاسی در مجامع بین‌المللی (از جمله سازمان ملل) و جلوگیری از تحریم‌های غربی علیه ایران و متحدانش، به وضوح قابل مشاهده است.

اما اگر شکاف بین چین و روسیه ایجاد شود و این دو قدرت نتوانند به هماهنگی‌های راهبردی خود ادامه دهند، تأثیرات زیادی بر حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از ایران و متحدانش خواهد گذاشت. در صورتی که این دو کشور نتوانند سیاست‌های منطقه‌ای شان را هماهنگ کنند، دیگر نمی‌توانند در موضوعات حساس مانند فروش تسلیحات به ایران، تأمین منابع اقتصادی، یا حمایت سیاسی از تهران در برابر فشارهای غرب، به طور مشترک عمل کنند. این عدم هماهنگی می‌تواند باعث کاهش توان ایران در تأمین نیازهای نظامی و اقتصادی خود، به ویژه در برابر فشارهای غرب و رژیم اسرائیل و در نتیجه باعث کاهش توان محور مقاومت در مقابله با رژیم صهیونیستی گردد.

راپایه‌گذاری کنند که مستقل از محور غرب و به ویژه ایالات متحده باشد. این نظم نوین، بر اصولی مانند چندقطبی بودن جهان، احترام به حاکمیت کشورها و مقابله با مداخلات یک‌جانبه‌گرایانه استوار است و به شدت با نظم بین‌المللی کنونی که بر اساس ارزش‌ها و منافع ایالات متحده طراحی شده، در تضاد است.

رژیم اسرائیل یکی از اصلی‌ترین بهره‌مندان این ساختار آمریکا محور است. واشنگتن در دهه‌های اخیر نه تنها از دولت عبری در برابر قطعنامه‌های بین‌المللی حمایت کرده، بلکه از طریق دیپلماسی، کمک‌های مالی - نظامی و فشار سیاسی، زمینه تثبیت موقعیت این رژیم در منطقه را فراهم آورده است. بنابراین، هرگونه تضعیف نظم آمریکایی و برآمدن یک محور جدید به رهبری چین و روسیه، تهدیدی بالقوه برای موقعیت برتر رژیم در ساختار جهانی به شمار می‌رود.

اما در صورتی که این محور چین - روسیه دچار تزلزل شود و نتواند نقش مؤثری در شکل‌دهی به موازنه‌های بین‌المللی ایفا کند، ایالات متحده و متحدانش بار دیگر دست بالا را در عرصه سیاست جهانی خواهند داشت. این به معنای افزایش فضای مانور برای طراحی و تحمیل قواعد بازی بین‌المللی بر مبنای منافع غرب خواهد بود؛ قواعدی که در بیشتر موارد، با منافع رژیم اسرائیل همسو است.

افزایش نفوذ اسرائیل در روسیه

در ماه‌های گذشته، روابط رژیم اسرائیل و روسیه، به ویژه در زمینه بحران سوریه، شکل خاصی از همکاری تاکتیکی را تجربه کرده است. اگرچه دو طرف در سطوح استراتژیک اختلافاتی دارند - از جمله در خصوص ایران و محور مقاومت - اما توانسته‌اند نوعی «مدیریت تعارض» در میدان سوریه ایجاد کنند. افزون بر آن، سطح روابط دیپلماتیک میان مسکو و تل‌آویو در سال‌های اخیر نسبتاً فعال بوده و حتی در برخی زمینه‌ها، همکاری‌هایی در حوزه‌های علمی، فناوری و فرهنگی نیز دیده شده است.

رژیم امید دارد در صورتی که مسکو از یک فاصله بگیرد، کرملین به دنبال بازتعریف برخی اولویت‌های سیاست خارجی خود و یافتن متحدان یا شرکای جدیدی خواهد بود تا این خلأ را جبران کند. در چنین شرایطی، رژیم دولت عبری خواهد توانست از فرصت به وجود آمده برای گسترش نفوذ خود در روسیه بهره‌برداری کند.

فرصت‌های اقتصادی و تکنولوژیک

در پی تداوم جنگ اوکراین و افزایش فشارهای اقتصادی و سیاسی از سوی غرب، روسیه با مجموعه‌ای از تحریم‌های گسترده و انزوا بی‌سابقه در عرصه‌های مالی، صنعتی و فناوری روبه‌رو شده است. این شرایط باعث شده مسکو برای حفظ توان رقابتی خود و ادامه روند توسعه اقتصادی، بیش از گذشته به دنبال یافتن منابع جایگزین برای فناوری‌های پیشرفته، سرمایه‌گذاری خارجی و بازارهای نو باشد. چین در این زمینه طی سال‌های اخیر به یکی از شرکای کلیدی روسیه تبدیل شده و با صادرات تجهیزات صنعتی، ارائه فناوری‌های نو، همکاری در پروژه‌های انرژی و تأمین برخی قطعات و نرم‌افزارها، نقش حیاتی در پرکردن خلأهای ناشی از تحریم‌های غربی ایفا کرده است. اما اگر به هر دلیلی - چه به

در سال‌های اخیر، نزدیکی بی‌سابقه میان روسیه و چین، معادلات قدرت در نظام بین‌الملل را دستخوش تغییر کرده و جبهه‌ای تازه در برابر نفوذ غرب و متحدانش، به ویژه رژیم اسرائیل شکل داده است. این هم‌پیمانی ژئوپلیتیکی عملاً میدان بازی

رژیم را در مناطقی همچون آسیای مرکزی، غرب آسیا و حتی در مجامع بین‌المللی محدود و مانعی جدی بر سر راه توسعه نفوذ آن ایجاد کرده است. اما اگر به هر دلیل، از جمله تلاش آمریکا برای نزدیک شدن به روسیه در سایه مذاکرات مربوط به جنگ اوکراین، این اتحاد راهبردی دچار تزلزل شود و شکاف میان مسکو و پکن پدید آید، معادله قدرت بار دیگر تغییر خواهد کرد. در چنین شرایطی، رژیم می‌تواند از فرصت به وجود آمده بهره‌برداری کند تا نفوذ خود را در حوزه‌های اطلاعاتی، امنیتی و اقتصادی گسترش دهد؛ فرصتی طلایی برای تغییر توازن موجود به نفع خود.

در ادامه این گزارش، به بررسی پیامدهای احتمالی این گسست ژئوپلیتیکی و منافع استراتژیک رژیم اسرائیل در سایه آن می‌پردازیم.



ناعمه اصفهانیان

کاهش فشار در نهاد‌های بین‌المللی

چین و روسیه، به عنوان دو عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، از قدرت تأثیرگذاری بالایی در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی برخوردارند، به ویژه از طریق حق وتوی که در اختیار دارند. این دو کشور طی سال‌های اخیر، در موضوعات مرتبط با مسئله فلسطین، اقدامات رژیم در سرزمین‌های اشغالی و نیز در قبال گروه‌هایی مانند حماس، معمولاً رویکردی انتقادی نسبت به سیاست‌های تل‌آویو اتخاذ کرده‌اند. همچنین برخلاف کشورهای غربی، بارها در مواضع رسمی خود از ضرورت پایان دادن به اشغالگری، توقف شهرک‌سازی‌ها و احترام به حقوق مردم فلسطین سخن گفته‌اند.

در مواردی نیز این دو کشور تلاش کرده‌اند از ابزارهای دیپلماتیک و نفوذ خود در نهاد‌های بین‌المللی، از جمله شورای امنیت، برای محدود کردن آزادی عمل رژیم اسرائیل استفاده کنند. این مواضع، هرچند ممکن است همیشه هماهنگ و یکدست نباشند، اما در مجموع نشان‌دهنده گرایشی مشترک برای به چالش کشیدن انحصار غرب در حمایت از رژیم و دفاع از اصولی چون چندجانبه‌گرایی، احترام به حاکمیت کشورها و مخالفت با اشغالگری هستند.

در نتیجه، هم‌سویی این دو قدرت در شورای امنیت، به ویژه در حوزه خاورمیانه، می‌تواند به عنوان یک مانع دیپلماتیک و سیاسی در برابر رژیم اسرائیل عمل کند؛ مانعی که در صورت تضعیف روابط مسکو و پکن، احتمالاً فرو خواهد ریخت و با کاهش فشار نهاد‌های بین‌المللی، فضای بیشتری برای تحرکات رژیم دولت عبری در مجامع بین‌المللی فراهم خواهد کرد.

تضعیف محور ضد آمریکایی

چین و روسیه تلاش کرده‌اند با تعمیق روابط دوجانبه و تقویت همکاری‌های چندجانبه در قالب‌هایی مانند بریکس، سازمان همکاری شانگهای و پیمان‌های اقتصادی و امنیتی منطقه‌ای، نظم جهانی تازه‌ای

